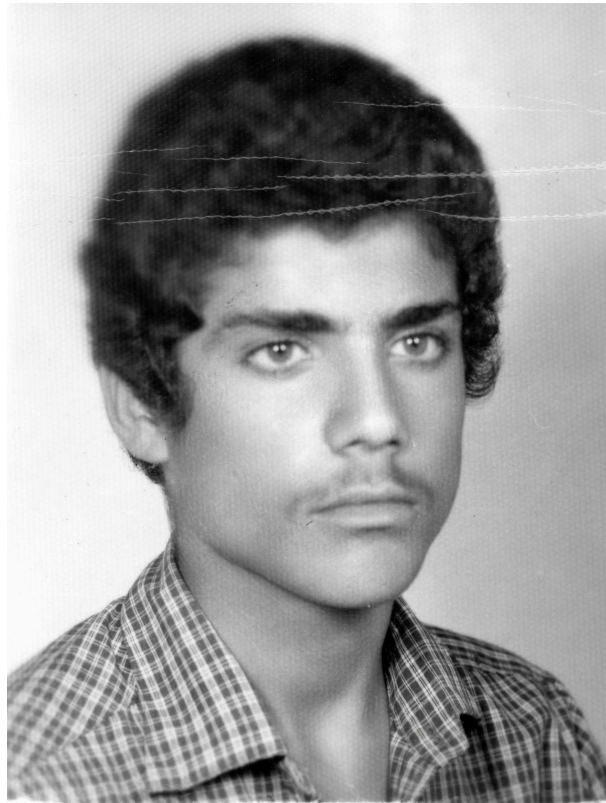


شهید شیرزاد آرمات



ازتبار علی
سازمانه جامع سرداران و دوازدهمین استان بوئهر

نام پدر	گرگلی
تاریخ تولد	۱۳۴۵/۱۱/۲۰
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۰/۱۱/۱۹
محل شهادت	تنگه جزابه
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	دوره راهنمایی
مدفن	مفقودالاثَر

زندگینامه

شهید شیرزاد آرمت در سال ۱۳۴۵ در روستای چاه خانی در خانواده ای فقیر و مستضعف چشم به جهان گشود. پس از دوران کودکی در سن ۶ سالگی در همان زادگاهش به کلاس اول ابتدایی قدم نهاد و دوران ابتدایی را با موفقیت پشت سر گذاشت و ضمن تحصیل به پدرش نیز کمک می کرد. پس از دوران ابتدایی به مدرسه راهنمایی خوشاب راه یافت و کلاس اول تا سوم راهنمایی را با موفقیت پشت سر گذاشت. ایشان در تمام دوران انقلاب در کنار پدر و مادر و اعضای خانواده با آن کمی سن در جلسات اسلامی و راهپیمایی های دوران انقلاب اسلامی شرکت می کرد. وی عاشق انقلاب بود و با تمام توان در خدمت اسلام بود. با شروع جنگ تحمیلی، وی آرزو داشت که با صدامیان به نبرد بپردازد، تا اینکه در آذرماه سال ۱۳۶۰ از پدر و مادر اذن جهاد خواست و چون به او اجازه داده شد از طریق بسیج به شیراز اعزام شد و مدت یک ماه دوران آموزشی را در پادگان شهید عبدالله مسگر به پایان رساند و بعد مجدداً به مرخصی آمد و پس از بازدید از خانواده راهی جبهه های نبرد حق علیه باطل گردید. شهید آرمت در حمله شوش شرکت کرد و از ناحیه پیشانی مجروح و درمان سرپایی گردید. و بعد از پایان حمله به مرخصی آمد. مجدداً به جبهه برگشت و در حمله تنگ جزابه شرکت نمود و در آن عملیات با تنی چند از یاران صدیقش جان به جان آفرین تسلیم و در راه اسلام و امام امتش شهید گردید. ولی متأسفانه جسدش پیدا نشده است.

از آنجایی که که شهید در زمان شهادت، دوران نوجوانی خود را می گذراند و حدود ۱۴ سال سن بیشتر نداشتند. همواره از اخلاق و جاذبه بسیار جذب و پسندیده ای برخوردار بودند، به نحوی که با حضور ایشان گرمی خاصی در خانواده مشهود بود.

شهید در خانواده مایه دلگرمی مادر و پدر و حتی تمام اعضای خانواده بود. حتی در امور منزل و حتی کمک به پدر در جهت تأمین امرار معاش از خود رفتار منحصر به فردی داشتند. وی عاشق جبهه و جنگ بود. لحظه ای آرامش نداشت و مشتاقانه هم چون خیل رزمندگان اسلام برای جان فشانی در راه اسلام و امام از همه مهمتر تثبیت حاکمیت ولایت فقیه به جبهه رفت.

خصوصیات اخلاقی:

شهید آرمت فردی متواضع و فروتن بود. وی دارای حجب و حیای بسیار زیادی بود. در امنیت داری نیز مشهور بودند. ایشان از گشاده رویی بسیار زیادی برخوردار بودند به نحوی که بندرت عصبانی می شد. همواره با حوصله و صبر و متین بود، از صفا و صمیمیت مثال زدنی برخوردار بود به نحوی که در بین دوستان و هم کلاسی هایشان زبانزد بود. در وفای به عهد تلاش می کرد. شهید وقتی که از جبهه به مرخصی می آمد همه دوستان و تمام اعضای خانواده را به خواندن نماز و رفتن به مسجد و حضور در مراسم سیاسی و عبادی و پشتیبانی از ولایت فقیه توصیه می کرد.

وصیت نامه

راهم را که راه سرخ شهادت است و راه تمام شهیدان است ادامه دهید.

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»

آنهايي که در راه خدا کشته مي شوند، مرده نخوانيد، بلکه زنده اند و نزد خدا روزي مي برند.

سلام بر رهبر کبير انقلاب اسلامي ايران و سلام بر مردم شهيد پرور ايران و سلام بر پدر و مادر و اهل خانواده ام. من شيرزاد آرمت در سال ۱۳۴۵ به شش ۹۰۹، صادره از چاه خاني، نام پدر گرگعلي، وصيت خود را شروع مي کنم.

پدر و مادر! اگر من به درجه رفيع شهادت نائل آمدم، براي من ناراحت نباشيد، چون من امانتي بودم از خدا نزد شما. براي من تنها گريه نکنيد و گريه بر مظلوميت امام حسين(ع) سرور شهيدان که به ما درس شهادت داده گريه بر تمام شهيدان که به ندای امام حسين(ع) و امام خميني ليک گفتند و مرگ سرخ را انتخاب کردند و گريه بر مظلوميت آن سيد بزرگوار با هفتاد و دو تن از همزمانش. گريه بر رجايي آن حامی امام و گريه بر باهنر آن بازوی امام.

وصيتم به مادرم اين است که، مادر جان شرايط فعلي نياز دارد که ما به جبهه برويم. اگر بر نگشتم، راهم را زينب وار ادامه بدهد و از برادرانم حفاظت کند. منظورم اين است که حفاظت کن که از چهارچوب اسلام بيرون نروند.

وصيتم به برادرانم اين است که بعد از من، راهم را که راه سرخ شهادت است ادامه دهند. پدر و مادر! اگر من به درجه رفيع شهادت نائل آمدم، اگر جسد مرا آوردند در قبرستان محله جنب قبرعلي کامکاري مرا به خاک بسپاريد. و روی قبرم کلمه ناکام را ننويسيد، چون من به آن کامي که مي خواستم رسيده ام.

۲۷/۱۰/۱۳۶۰

شيرزاد آرمت



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران